

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دیوید هرست
برگردان از: مریم سینائی
۰۶ جون ۲۰۲۱

چگونه اسرائیل بذر خیزش تازه‌ای را می‌پراکند

نسل جدیدی از فلسطینیان با گفتن «دیگر بس است»، زیر دماغ نتانیاهو به پا می‌خیزند!



ده سال پیش، در کوچه آجرفرشی در محله شیخ جراح، مرا به اتاقی راهنمایی کردند که پیرزنی وسط کپه‌ای از جعبه و چمدان نشسته بود. چشمان به شدت سوزان «رفقه ال‌کُرد» اولین چیزی بود که توجه مرا جلب کرد. او گفت، در وسط بسته‌ها و چمدان‌های خود هر لحظه در انتظار ورود پولیس است تا او را از خانه‌اش بیرون کند و تازه‌واردان یهودی به آنجا نقل مکان کنند. بعد که رفقه را از خانه‌اش بیرون کردند، توضیح داد، لباس‌هایش را به این خاطر بسته‌بندی کرده بود که دلش نمی‌خواست آنها را وسط خیابان پرت کنند.

رفقه پیش‌تر هم این را تجربه کرده بود، وقتی در سال ۱۹۴۸ از خانه خود در حیفا بیرون رانده شد. چه چیزی «رفقه ال‌کُرد» را آنجا به نشستن وسط جعبه‌هایش ترغیب می‌کرد؟ جواب او یک کلمه بود: «صُمود»، تقریباً به معنی مقاومت! رفقه سال گذشته در خانه‌ای که دولت اردن و آژانس امداد رسانی و کاربایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک به او داده بودند، مُرد. پسر او نبیل برایم توضیح داد که چطور شهرکنشینان به یک چهاردیواری که خودش ساخته بود نقل مکان کردند، کاری که به گفته مقامات شهرداری غیرقانونی بود.

نبیل، که حالا موهایش خاکستری‌تر از گذشته است، با آمدن به خانه شماره ۱۳، محل زندگی مادرش، بیرون خانه، کنار دیواری به نگهبانی ایستاده است. گرافیتی روی دیوار به زبان عربی می‌گوید: «ما نخواهیم رفت». مونا ال‌کُرد، دختر او و نوه رفقه، از شهرکنشینان یهودی در حالی که با زور وارد خانه آنها می‌شدند، فلم گرفته است. یکی از مهاجمان با لهجه زمخت بروکلینی (از مناطق شهر نیویورک-م.) می‌گوید: «اگر من خانه شما را غارت نکنم، دیگری خواهد کرد!» وقتی که بعد از ملاقاتم با خانواده ال‌کُرد درباره رفقه نوشتم، هیچ‌کس کمترین توجهی به او یا شیخ جراح نکرد. من باید به سردبیر توضیح می‌دادم که شیخ جراح کجاست و گمان نمی‌کنم که حتی بعد از این توضیح هم او چیزی درک کرده باشد. بهار عربی تنها داستان سر زبان‌ها بود و نه برای اولین بار به فلسطینی‌ها گفته می‌شد که خبر درگیری‌های آنها کهنه شده است.

امروز، شیخ جراح، موضوع بیانیه‌های ملل متحد، وزارت خارجه ایالات متحده و سیاستمداران طیف‌های گوناگون در بریتانیا است. تظاهرات در مراکز شهرهای شیکاگو و برلین در جریان است و مونا ال‌کُرد در فضای مجازی مخاطبینی از سراسر جهان دارد. پس، من هم می‌توانم درباره حوادث همین چند روز گذشته، ضرب و شتم در شیخ جراح، مسجد الاقصی و دروازه دمشق که شاهد بودم، شخصاً گواهی بدهم: اسرائیل برای پایان دادن به درگیری با فلسطینیان کاری نکرده است.

سال گذشته، دولت دست راستی ناسیونالیست مذهبی اسرائیل ادعا کرد که در این درگیری‌ها پیروز بوده است و حالا فلسطینی‌ها باید درست رفتار کنند و با پرچم سفید از خانه‌های خود بیرون بیایند. با به رسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، طی مراسمی کم و بیش اوانجلیستی، و رژه مانند برای پیروزی افتتاح شد. جرد کوشنر در مراسم افتتاحیه گفت: «چه روز با شکوهی برای اسرائیل. ما در اورشلیم هستیم و ما هستیم تا بمانیم.» در همان روز در غزه، زمانی که کوشنر داشت غار غار می‌کرد، بیش از ۵۰ نفر توسط نیروهای اسرائیلی کشته شدند.

بعد از آن، زمانی که امارات متحده عربی و بحرین روابط خود با اسرائیل را عادی کردند، نوبت به مثلاً «توافق‌های ابراهیم» رسید.

دنی دانون، بعدها سفیر اسرائیل در ملل متحد در مقاله‌ای در نیویورک تایمز در پاسخ به مرحوم نائب ارکات، مذاکره‌کننده ارشد فلسطینی نوشت: «در تسلیم شدن فلسطینی‌ها چه مشکلی وجود دارد؟ ... چیزی که دقیقاً برای صلح لازم است خودکشی ملی اخلاق سیاسی و فرهنگی فلسطینیان است.»

اگر بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر اسرائیل فکر می‌کرد با معامله‌ای با یک اماراتی یا بحرینی؛ با خارج کردن سودان از لیست تروریستی؛ یا به رسمیت شناختن حق حاکمیت مراکش بر صحرای غربی توسط واشنگتن، می‌تواند سرزمین فلسطین را برای همیشه از میان بردارد، امروز باید فهمیده باشد که همه این‌ها چه بی‌فایده هستند و در واقعیت غنیمت‌های عربی اخیر او چقدر بی‌بها.

این رهبران عرب نه اعتباری نزد مردم خود دارند و نه حتی پیش فلسطینیان. اصلاً اگر نتانیاو هرگز به آن فکر کرده باشد، چیزی جز یک توهم بزرگ نبود. نسل جدیدی از فلسطینیان زیر دماغ او در حال برخاستن هستند، نسلی که هیچ ماشین آبپاش، گاز اشک‌آور و نارنجک صوتی متوقفش نخواهد کرد. در گوشه و کنار هر خیابان یک مونا ال‌کُرد هست.

سربازانی که آنها را شبانه دستگیر می‌کنند؛ دادگاه‌هایی که حکم صادر می‌کنند که شهرکنشینان صاحبان واقعی خانه‌های آنها هستند؛ شهرداری شهری که این تصمیم‌ها را به اجراء می‌گذارد؛ «ال‌آد، بنیاد شهر داود» که ادعاهای

ارضی باستان‌شناسانه را طراحی می‌کند و خانه‌سازی برای شهرک‌نشینان در سیلوان را رهبری می‌کند؛ جوانان اراذل و اوباش یهود راست افراطی که فریاد می‌زنند «مرگ بر اعراب»؛ یا آریه کینگ، معاون شهردار که به یک فعال فلسطینی گفت حیف شد که به سرت شلیک نشد!

این درس‌آموزی از نفرت، نتیجه فعالیت سیستماتیک چندجانبه توسط نهادهای مختلف اسرائیلی و در همه سطوح است. این نفرت به تمام وجود آنها راه یافته است. حالا این نسل می‌گویند: «دیگر بس است.» برای آنها دیگر مهم نیست که چند بار پولیس اسرائیل بر سر مددکاران در حال کمک به مجروحان، بر سر نمازگزاران در مسجد الاقصی یا بر سر زنان و کودکان در خیابان‌های «شهر قدیم» نارنجک‌های صوتی پرتاب می‌کند.

آنها هر شب به الاقصی برواهند گشت. تنها حضور آنها، بی‌آنکه سنگی پرتاب کنند، نشان دهنده اشغال اورشلیم شرقی است و این وضعیت تا زمانی که از کنترل اسرائیل رها شود، ادامه خواهد داشت. به هر حال سنگ‌ها با بسیار چیزهای دیگر پرتاب خواهند شد. زمانی که تعدادی راکت از غزه شلیک شد، تظاهرات بزرگی در کرانه باختری جریان داشت. روز ۲۱ اردیبهشت [ثور] در حملات اسرائیلی‌ها به این منطقه ۲۵ فلسطینی، از جمله ۹ کودک کشته شدند. دو زن اسرائیلی هم مردند. اگر محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین مانند یک خرگوش (ترسو) حرف بزند و رفتار کند، سرخط اخبار خواهد شد و با مردمی مواجه خواهد بود که نفوذ خود را بر آنها از دست داده است، هرچند این مسأله در مورد دیگر فلسطینی‌ها در نوار غزه و کرانه باختری صدق نمی‌کند.

ویژگی‌های کلیدی

سه ویژگی به این اعتراض‌ها نیروی بیشتری بخشیده است و این باید هشدار برای تشکیلات امنیتی اسرائیل باشد. اولین ویژگی پیامد مستقیم آخرین موج نرمال‌سازی روابط با اسرائیل است. هیچ فلسطینی به هیچ روی دچار چنین توهمی نیست که یک دولت عربی حتی در حرف برای نجات آنها قدمی بردارد. در انتفاضه‌های گذشته چنین چیزی مطرح نبود. برای آنها دیگر هیچ میانجی صادقی وجود ندارد. فلسطینیان می‌دانند که آنها تنها به خودشان می‌توانند اتکاء داشته باشند، و هر کس تنها می‌تواند روی منابع در دسترس خود حساب باز کند.

دومین ویژگی آن است که خلاف شورش‌های گذشته، این بار همه فلسطینی‌ها شرکت دارند. از سال ۱۹۴۸، اورشلیم، کرانه باختری، غزه و آوارگان فلسطینی در سراسر دنیا. اعتراض‌ها در الاقصی مسیحیان را مانند مسلمانان، غیرمذهبی‌ها را به همان میزان مذهبی‌ها، ملی‌گراها را به همان میزان اسلام‌گراها به خود جذب کرده است. آنها اهل حيفا، يافا و همچنین اورشلیم هستند. اگر اتوبوس‌هائی که آنها را می‌آورد در خیابان‌های ماشین‌رو متوقف شوند، ساکنان اورشلیم آنها را سوار اتومبیل‌های خود می‌کنند.

همه درد یگانه‌ای را در وجود خود احساس می‌کنند و احساس واحدی را به زبان می‌آورند. همه خود را فلسطینی می‌خوانند. هریک به تنهائی و همگی باهم می‌دانند که خطر هائی در راه است.

سومین ویژگی و تفاوت مهم این است که تمرکز جنبش در الاقصی و اورشلیم است. مهم نیست که پولیس اسرائیل چندبار مسجد را تخلیه می‌کند، که تا به حال سه بار کرده است، بار دیگر با نمازگزاران مصمم‌تر فلسطینی پر خواهد شد تا در حمایت از جنبش قدم در جای پای آنهائی بگذارند که کشته، زخمی، یا دستگیر شده‌اند.

یک خیزش تازه

سال گذشته انتخاب اورشلیم برای اعلام پایان این مناقشات اساسی‌ترین اشتباهی بود که نتانیاهو و شهرکنشینان می‌توانستند مرتکب شوند. گرچه آنها قادر به اعمال حداکثر زور هستند و همواره هم چنین کرده‌اند، اما بزودی خواهند فهمید که باید کارآئی چنین عملی را مورد تردید قرار دهند.

با انتخاب اورشلیم شرقی به عنوان منطقه آتی شهرک‌سازی‌ها، و توجیه علنی و گستاخانه آن، دمیدن در آتشی است که می‌تواند در تمام جهان اسلام گسترش یابد و این آتشی خواهد بود غیرقابل کنترل. هیچ‌کس این را قاطعانه‌تر و روشن‌تر از ام‌سمیر عبداللطیف بیان نکرد، ساکن سالمند یکی از ۲۸ خانه در شیخ جراح که به تخلیه تهدید شده‌اند. ام‌سمیر، روز ۲۰ اردیبهشت [ثور] در مصاحبه با الجزیره گفت، او می‌داند که جهان عرب نمی‌تواند کاری برای آنها انجام بدهد. «اما ما به کسی تکیه نمی‌کنیم، و تنها با دستان خود علیه اشغال مقاومت خواهیم کرد. به خواست خدا، ما این مقاومت را تا آخرین لحظه زندگی خود ادامه خواهیم داد. قلب من از این همه دورویی و ادعای مالکیت سرزمین‌های ما، آتش می‌گیرد. آنها با تمام ذرات وجودشان می‌دانند که چیزی که می‌گویند دروغ است. این صهیونیسم است و هیچ ربطی به یهودیت ندارد. عده‌ای می‌گویند که ما علیه یهودیت می‌جنگیم، اما این درست نیست. ما همیشه روابط خوبی با مسیحیان و یهودی‌ها داشته‌ایم، ما همواره باهم خوب بوده‌ایم. اما ما مخالف اشغالگری هستیم و آن را قویاً رد می‌کنیم.» این چنین است که بذرهاى خیزش نوینی پراکنده شده است.

دیوید هرست

سردبیر میدل‌ایست آی، ۱۱ ماه مه، ۲۰۲۱ (۲۱ اردیبهشت [ثور] ۱۴۰۰)

مجله دانش و امید